رمزگشایی از طرح حمایت حداکثری آمریکا

واشنگتن آب در هاون می کوبد

نوید کمالی

همزمان با آغاز دومین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، سپهر سیاسی و اقتصادی جهان شاهد التهابات تازه‌ای شده است؛ از اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی آمریکا گرفته تا احیای سیاست جنجالی «فشار حداکثری» علیه کشورمان. این باراما، لحن ترامپ صریح و تهدیدهایش بی‌پرده‌تر از گذشته شده است؛ به طور مثال اظهارات اخیر ترامپ، از جمله تهدید صریح کشورمان به اقدام نظامی و بمباران تاسیسات اتمی در صورت عدم دستیابی به توافقی مطابق با خواسته‌های یک جانبه او، بار دیگر نشان می دهد که رویکرد تقابلی و خصمانه، محور اصلی سیاست خارجی دولت او در قبال تهران است. این تهدیدات، که امنیت ملی کشورمان را مستقیماً نشانه رفته‌اند، بیانگر اراده‌ای جدی ترامپ و حامیان پیدا و پنهان وی برای به زانو درآوردن اراده نظام و ملت ایران از طریق فشارهای چندجانبه و خردکننده است. در این زمینه دولت ترامپ و لابی صهیونی از لایحه‌ای جدید و مکمل برای افزایش اثربخشی فشارها و تهدیدات خارجی در کنگره ایالات متحده پرده برداشتند. این طرح که تحت عنوان «قانون حمایت حداکثری» یا Maximum Support Act معرفی شده و درست در گرماگرم اجرای سیاست فشار حداکثری و با حمایت دوحزبی در کنگره با پیشگامی چهره‌های ضد ایرانی چون جو ویلسون جمهوری خواه و جیمی پانتا دموکرات در مسیر تصویب قرار گرفته است.

عملیات فریب دشمنان

این طرح با بوشی فریبنده مدعی حمایت از مردم ایران، دموکراسی و حقوق بشر است اما تحلیل محتوا و بررسی ابعاد مختلف آن نشان می دهد که این قانون، ابزاری جدید و مکمل برای افزایش اثربخشی فشارهای حداکثری است. در واقع این طرح، راهبردی حساب شده برای تولید و تعمیق شکاف‌های اجتماعی امنیتی در کشورمان از طریق خلق تهدیدات درون‌زا، و در نهایت، تلاش برای بی‌ثبات سازی کشور از درون و هموار کردن مسیر برای تحقق اهداف مدنظر واشنگتن و تلاویو است. به عبارت دیگر «حمایت حداکثری» در واقع، روی دیگر سکه «فشار حداکثری» است که این بار، میدان نبرد را به داخل مرزهای کشورمان کشانده و جامعه ایران و خاصه نهادهای راهبردی، دفاعی و امنیتی را هدف قرار داده است تا با فعال سازی گسل‌های موجود و ایجاد گسل‌های جدید، انسجام ملی را فرسوده و کشور را از درون تضعیف و آسیب پذیر کند. این همزمانی معنادار، بیانگر یک استراتژی دو لبه و هماهنگ برای درهم شکستن مقاومت کشورمان است: «فشار خردکننده از بیرون» و «تلاش برای فروپاشی از درون.»

نقش اندیشکده های ضد ایرانی

یکی از نکات مهمی که در رابطه با این طرح بایستی به آن توجه داشت این نکته است که طرح مورد اشاره توسط اندیشکده‌های ضد ایرانی نظیر «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» (FDD) و لابی ضد ایرانی مانند «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (NUFDI) پشتیبانی می شود و مجموعه‌ای از اقدامات مداخله جویانه و تهدید آفرین را تحت عنوان حمایت از ملت ایران تجویز می کند. همانگونه که اشاره شد ظاهر این طرح، جذاب و بشردوستانه است، اما بررسی دقیق مفاد و بندهای این طرح، نیات واقعی و ابعاد امنیتی خطرناک آن را علیه امنیت ملی کشورمان آشکار می سازد. این قانون برآزادی اینترنت، حمایت راهبردی از تغییرات دموکراتیک (بخوانید تغییر نظام) و تحریم‌های هدفمند علیه مقامات کشورمان تمرکز دارد و بر حق ایرانیان برای انتخاب نوع حکومت «پس از جمهوری اسلامی» تأکید می کند!!!

محورهای کلیدی طرح حمایت حداکثری

این طرح شامل محورهای گوناگونی است که شامل تأسیس دفتری باعنوان «نماینده ویژه برای حمایت حداکثری»، ارائه «پشتیبانی سایبری» به مخالفان ایرانی و اصلاح نحوه اطلاع رسانی «آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده» (USAGM) به ایرانیان و مقابله با آنچه «پروپاگاندای نظام» خوانده می شود، است. تعیین یک نماینده ویژه، به معنای نهادینه سازی و تمرکز بخشیدن به اقدامات مداخله جویانه و ایجاد یک مرکز فرماندهی واحد برای هماهنگی فعالیت‌های ضد ایرانی تحت پوشش حمایت از مردم کشورمان است. ارائه پشتیبانی سایبری نیز، فراتر از کمک به دسترسی آزاد به اطلاعات، می تواند به معنای ارائه ابزارها و آموزش‌های لازم برای سازماندهی اعتراضات، جنگ روانی، انتشار اخبار نادرست هدفمند، و حتی حملات سایبری به زیرساخت‌های کشور باشد. اصلاح رویکرد رسانه‌های آمریکایی نیز هدفی جز تشدید جنگ شناختی و تلاش برای شکل دهی به افکار عمومی در داخل ایران در راستای اهداف سیاست خارجی آمریکا ندارد. این اقدامات، در مجموع، تلاشی سازمان یافته برای مدیریت و هدایت نارضایتی‌های داخلی به سمت اهداف برانداز انه است.

بخش دیگری از این طرح جنبه‌های امنیتی آن است که مربوط به «ابتکارات آزادی اینترنت» است. این بخش، خواستار تشکیل یک کارگروه بین سازمانی برای تقویت و گسترش دسترسی به اینترنت از طریق خدمات پیشرفته و رایگان فیلترشکن و VPN، افزایش دسترس پذیری فناوری ارتباطات ماهواره‌ای برای تلفن‌های همراه ایرانیان (Satellite-to-Cell)، توزیع سیم کارت‌های الکترونیکی (eSIM)، طراحی و ارائه ابزارهای قدرتمند ضد جاسوسی و ارائه نرم افزارهای امنیت سایبری برای حفاظت از مخالفان ایرانی در مقابل اقدامات سایبری دستگاه‌های امنیتی است. خطرناک‌ترین وبی سابقه‌ترین مفاد این طرح، بخش مربوط به «مصادره و بازتوزیع دارایی‌ها» است. این قانون به دولت آمریکا اجازه می دهد دارایی‌های متعلق به نظام جمهوری اسلامی ایران و افراد وابسته به آن را که تحت صلاحیت قضایی ایالات متحده قرار دارند، مصادره کرده و وجوه حاصل از آن را برای حمایت از اقدامات ضد امنیتی، ضد اجتماعی و ضد اقتصادی (مانند شرکت کنندگان در اعتصابات کارگری و یا هزینه زندگی مجرمان امنیتی) و مستندسازی آنچه از دید آمریکایی‌ها نقض حقوق بشر است مصرف کند. این بند، نقض آشکار حاکمیت ملی و اصول حقوق بین الملل است. مصادره اموال یک دولت و توزیع آن میان گروه‌های مخالف داخلی، مصداق بارز دخالت در امور داخلی و تامین مالی مستقیم براندازی است، البته شکی نیست که این منابع می تواند صرف تامین و تجهیز گروه‌های تروریستی علیه کشورمان نیز شود. مهم‌تر از آن، این اقدام می تواند به ابزاری برای ایجاد وابستگی مالی گروه‌های اپوزیسیون به منابع خارجی تبدیل شود و استقلال عمل آن‌ها را سلب کند. علاوه بر این باتوجه به «شعار سال»، اعلام حمایت مالی مستقیم از برگزارکنندگان و مشارکت کنندگان در اعتصابات صنفی و کارگری در واقع تلاش برای ایجاد فلج اقتصادی در بخش صنعت و خدمات کشور و تحمیل التهابات اقتصادی مضاعف به ملت ایران است.

بخش دیگری از طرح به «حمایت راهبردی از فرار مقامات» یا تلقی شود، اما در بستر این طرح، اهداف دیگری دنبال می شود. اولاً، این اقدامات به معنای دور زدن حاکمیت ملی کشورمان بر فضای مجازی و ایجاد کانال‌های ارتباطی امن و غیرقابل ردیابی برای شبکه‌های سازمان یافته مخالف است که می توانند توسط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی هدایت شوند. ثانیاً، ارائه ابزارهای ضد جاسوسی و امنیت سایبری می تواند پوششی برای نفوذ بدافزارها، جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی از کاربران ایرانی باشد. ثالثاً، فناوری هایی مانند ماهواره به تلفن همراه، امکان برقراری ارتباط و سازماندهی راحتی در شرایط قطع کامل اینترنت داخلی فراهم می کند که می تواند در مواقع بحرانی، به ابزاری موثر برای هماهنگی آشوب‌ها و اقدامات خرابکارانه تبدیل شود. این بند، در واقع، تلاشی برای ایجاد یک «زیرساخت ارتباطی موازی» و خارج از کنترل حاکمیت در داخل کشورمان است که می تواند به ستون فقرات عملیات بی ثبات سازی تبدیل گردد!

یکی از خطرناک‌ترین و بی سابقه‌ترین مفاد این طرح، بخش مربوط به «مصادره و بازتوزیع دارایی‌ها» است. این قانون به دولت آمریکا اجازه می دهد دارایی‌های متعلق به نظام جمهوری اسلامی ایران و افراد وابسته به آن را که تحت صلاحیت قضایی ایالات متحده قرار دارند، مصادره کرده و وجوه حاصل از آن را برای حمایت از اقدامات ضد امنیتی، ضد اجتماعی و ضد اقتصادی (مانند شرکت کنندگان در اعتصابات کارگری و یا هزینه زندگی مجرمان امنیتی) و مستندسازی آنچه از دید آمریکایی‌ها نقض حقوق بشر است مصرف کند. این بند، نقض آشکار حاکمیت ملی و اصول حقوق بین الملل است. مصادره اموال یک دولت و توزیع آن میان گروه‌های مخالف داخلی، مصداق بارز دخالت در امور داخلی و تامین مالی مستقیم براندازی است، البته شکی نیست که این منابع می تواند صرف تامین و تجهیز گروه‌های تروریستی علیه کشورمان نیز شود. مهم‌تر از آن، این اقدام می تواند به ابزاری برای ایجاد وابستگی مالی گروه‌های اپوزیسیون به منابع خارجی تبدیل شود و استقلال عمل آن‌ها را سلب کند. علاوه بر این باتوجه به «شعار سال»، اعلام حمایت مالی مستقیم از برگزارکنندگان و مشارکت کنندگان در اعتصابات صنفی و کارگری در واقع تلاش برای ایجاد فلج اقتصادی در بخش صنعت و خدمات کشور و تحمیل التهابات اقتصادی مضاعف به ملت ایران است.

بخش دیگری از طرح به «حمایت راهبردی از فرار مقامات» یا StrategicDefectionSupport اختصاص دارد. این بخش خواستار تدوین یک استراتژی جامع با هدف تسهیل ارتباطات امن، تضمین ایمنی برای فراریان و ایجاد یک گروه کاری بین سازمانی برای مدیریت خیانت‌ها و راستی آزمایی اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها است!!! این بند، در واقع، تلاشی سازمان یافته برای تشویق به خیانت، تضعیف نهادهای حکومتی از درون و جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده از طریق تطمیع یا ایجاد مسیرهای فرار امن برای مقامات و نیروهای امنیتی و نظامی است. این بخش از طرح به دنبال فروپاشی روانی و کاهش انسجام در بدنه مدیریتی و امنیتی کشور است و می کوشد زمینه جاسوسی و خیانت را در مراکز راهبردی کشورمان را فراهم کند. تمرکز بر جذب و مدیریت خائن‌ها، نشان دهنده تلاش برای دستیابی به اطلاعات دست اول از سازوکارهای تصمیم گیری، نقاط ضعف و برنامه‌های راهبردی کشورمان است که می تواند در برنامه ریزی برای اقدامات خصمانه دشمن مورداستفاده قرار سگیرد. این اقدام، مصداق جنگ اطلاعاتی و تلاش برای فروپاشی ساختارها از درون است.

علاوه بر این، طرح «حمایت حداکثری» شامل بندی است که وزارت امور خارجه، وزارت خزانه‌داری و دادستان کل آمریکا را موظف می کند تا یک بازبینی رسمی و جامع انجام در رابطه با وزارت اطلاعات کشورمان انجام دهند تا مشخص شود آیا این وزارتخانه معیارهای لازم برای تعیین به عنوان یک «سازمان تروریستی خارجی» (FTO) را دارد یا خیر! این اقدام، در صورت عملی شدن زمینه اقدامات قضایی و امنیتی علیه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشورمان در سطح جهانی فراهم خواهد کرد، البته بر واضح است که تروریستی خواندن یک وزارتخانه رسمی دولتی، اقدامی بی سابقه و تحریک آمیز است که می تواند به قطع کانال‌های ارتباطی اطلاعاتی که حتی در شرایط تخاصم و به واسطه دیپلماسی پنهان برای جلوگیری از سوء تفاهم و مدیریت بحران‌ها ضروری هستند منجر شود. این بند، بخشی از استراتژی کلان لابی صهیونی برای مشروعیت زدایی از ساختارهای حاکمیتی ایران و توجیه اقدامات خصمانه تر در آینده است. این طرح به دنبال تعمیق شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی در داخل کشور است. با حمایت مالی و لجستیکی هدفمند از گروه‌های خاص، ارائه تریبون به صداهای معارض و دامن زدن به اختلافات، این طرح می تواند انسجام ملی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به ابعاد جنگ نرم و شناختی دشمن، و تمرکز بر حل مشکلات داخلی با اتکا به ظرفیت‌های ملی نیست. اقدامات و رفتارهای حاشیه ساز و قبیله گرایانه برخی جریانات سیاسی در عرصه هایی فرهنگی و اجتماعی مانند حوادث رخ داده در مقابل مجلس شورای اسلامی و یا تداوم برخی رویه‌های سلبی در حوزه فرهنگی و فضای مجازی تنها به تضعیف انسجام ملی در برابر تهدیدات جدید پیش روی کشور منجر می شود، از این رو مسئولان و نخبگان کشور بایستی با درک عمیق از شرایط و تهدیدات جدید، زمینه را برای گفت وگوهای ملی سازنده و تقویت سرمایه اجتماعی فراهم کنند تا از ایجاد بسترهای لازم برای سوء استفاده دشمنان جلوگیری شود. خوشبختانه تاریخ نشان داده است که ملت بزرگ ایران در برابر فشارهای خارجی، همواره مقاومتی مثال زدنی از خود نشان داده است، اما حفظ این مقاومت در برابر راهبردهای پیچیده و چندلایه جدید، نیازمند بصیرت، وحدت و اتخاذ تدابیر هوشمندانه در تمامی سطوح است لذا امنیت ملی کشورمان امروز در گرو درک صحیح این تهدیدات و واکنش متناسب و به هنگام به آن هاست؛ واکنشی که ضمن خنثی سازی توطئه‌های خارجی، مسیر پیشرفت و تعالی کشور را بر اساس استقلال و منافع ملی تضمین کند.

به عنوان مکمل «فشار حداکثری»، نشان دهنده یک تغییر یا رادایم در استراتژی ضد ایرانی لابی صهیونی در ایالات متحده است. اگر فشار حداکثری عمدتاً بر ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی متمرکز بود، حمایت حداکثری، بُعد جنگ نرم، جنگ شناختی و عملیات روانی را به شکلی سازمان یافته و هدفمند به این مجموعه اضافه می کند و همانگونه که مشخص است هدف آن ایجاد یک هم افزایی میان فشارهای خارجی و بی ثباتی‌های داخلی است تا نظام اسلامی کشورمان را در یک وضعیت فرسایشی و چندجبهه‌ای قرار دهد. این راهبرد که مصداق عینی «جنگ ترکیبی» یا Hybrid Warfare است، با استفاده همزمان از ابزارهای مختلف مانند تحریم، تهدید نظامی، عملیات سایبری، جنگ رسانه‌ای، حمایت از مخالفان داخلی و ایجاد شکاف‌های اجتماعی تلاش می کند تا مقاومت ملت ایران را درهم شکسته و کشور را به سمت تسلیم یا فروپاشی سوق دهد.

از منظر امنیت ملی این طرح به دنبال تعمیق شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و مذهبی در داخل کشور است. با حمایت مالی و لجستیکی هدفمند از گروه‌های خاص، ارائه تریبون به صداهای معارض و دامن زدن به اختلافات، این طرح می تواند انسجام ملی را تضعیف کرده و جامعه را به سمت قطبی شدگی و حتی درگیری‌های داخلی سوق دهد. ایجاد و تقویت شبکه‌های مخالف سازمان یافته و وابسته به خارج، خطر شکل گیری «ستون پنجم» و افزایش آسیب پذیری کشور در برابر نفوذ و عملیات اطلاعاتی دشمن را به شدت افزایش می دهد. همچنین این طرح با ارائه تصویری مخدوش از واقعیت‌های داخلی، بزرگنمایی مشکلات، ترویج ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به آینده و نهادهای حاکم و در عین حال، ارائه تصویری جذاب و فریبنده از حمایت خارجی، این طرح می کوشد تا اراده ملی برای مقاومت در برابر فشارهای دشمن را تضعیف کرده و افکار عمومی را به سمت پذیرش راه‌حل‌های تحمیلی از خارج و عبور از جمهوری اسلامی ایران هدایت کند.

راهکار مقابله با حمایت حداکثری!

در پایان بایستی بر این نکته تاکید کرد که طرح «حمایت حداکثری» نشان دهنده شروع فصل جدیدی از تخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران است و پداافند مناسب مقابله با آن چیزی جز ترویج هوشیاری راهبردی، تقویت انسجام ملی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به ابعاد جنگ نرم و شناختی دشمن، و تمرکز بر حل مشکلات داخلی با اتکا به ظرفیت‌های ملی نیست. اقدامات و رفتارهای حاشیه ساز و قبیله گرایانه برخی جریانات سیاسی در عرصه هایی فرهنگی و اجتماعی مانند حوادث رخ داده در مقابل مجلس شورای اسلامی و یا تداوم برخی رویه‌های سلبی در حوزه فرهنگی و فضای مجازی تنها به تضعیف انسجام ملی در برابر تهدیدات جدید پیش روی کشور منجر می شود، از این رو مسئولان و نخبگان کشور بایستی با درک عمیق از شرایط و تهدیدات جدید، زمینه را برای گفت وگوهای ملی سازنده و تقویت سرمایه اجتماعی فراهم کنند تا از ایجاد بسترهای لازم برای سوء استفاده دشمنان جلوگیری شود. خوشبختانه تاریخ نشان داده است که ملت بزرگ ایران در برابر فشارهای خارجی، همواره مقاومتی مثال زدنی از خود نشان داده است، اما حفظ این مقاومت در برابر راهبردهای پیچیده و چندلایه جدید، نیازمند بصیرت، وحدت و اتخاذ تدابیر هوشمندانه در تمامی سطوح است لذا امنیت ملی کشورمان امروز در گرو درک صحیح این تهدیدات و واکنش متناسب و به هنگام به آن هاست؛ واکنشی که ضمن خنثی سازی توطئه‌های خارجی، مسیر پیشرفت و تعالی کشور را بر اساس استقلال و منافع ملی تضمین کند.

خبر

تظاهرات گسترده در مغرب علیه رژیم صهیونیستی

شهروندان مغربی در یک تظاهرات بسیار گسترده در محکومیت جنایات مستمر رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم غزه شرکت کرده و از حاکمان مغرب خواستند به عادی سازی روابط با اشغالگران پایان دهند.

به گزارش تسنیم، هزاران شهروند مغربی در رباط در حمایت از غزه و مخالفت با کوچ اجباری مردم این منطقه تظاهرات کردند. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از گسترده بودن تظاهرات امروز مردم مغرب در حمایت از غزه و محکومیت جنایات مستمر رژیم صهیونیستی حکایت می کند. شرکت کنندگان در این تظاهرات، شعارهایی در ضرورت توقف جنگ و تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه سر دادند. مغربی‌ها که حاکمان کشورشان در آخرین سال دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، روابط خود را با رژیم صهیونیستی آشکار و عادی کردند، خواستار قطع رابطه و توقف عادی سازی روابط با اشغالگران شدند.

شهروندان مغربی در این تظاهرات با شکوه، پیام‌های همبستگی با مردم مظلوم غزه ارسال و برمخالفت با کوچ اجباری مردم این منطقه که ترامپ رئیس جمهوری آمریکا به دنبال آن است، تاکید کردند. نکته قابل توجه در تظاهرات امروز، این بود که تصویری از ترامپ که زیر آن «تروریست دیوانه» نوشته شده بود، در دست شهروندان مغربی جلب توجه می کرد که نشان دهنده خشم مردم مغرب از آمریکا و ترامپ به سبب حمایت‌های همه جانبه از جنایات صهیونیست‌هاست.

جناس در سیاست

ادامه از صفحه اول

همه کسانی که او را به شورش علیه موقعیت تشویق و ترغیب کردند در حال خلق جهانی متفاوت از گذشته هستند، جهانی که در آن مفاهیمی چون «آزادی»، «حقوق بشر»، «دموکراسی»، «آزادی بیان»، «جهان آزاد»، «تجارت جهانی»، «صلح»، «گفت‌وگو» و «جنگ» دستخوش تغییراتی بنیادین قرار گرفته است.

چین و روسیه اکنون در حال رصد این وضعیت هستند که وقتی ترامپ سخن از صلح می کند منظورش چیست؟ جمهوری اسلامی ایران وجبهه مقاومت در حال رصد این معنا هستند که وقتی ترامپ سخن از «گفت‌وگو» به میان می آورد، منظورش چیست؟ اتحادیه اروپا در حیرت به سر می برد که سرنوشت ناتو و پیوندهای عمیق اروپا و آمریکا چه می شود؟ چرا ترامپ کمر به قتل اتحادیه اروپا بسته است؟

۲- امروز صورت مسئله جهان سیاست روشن است. جهان هیچ‌گاه به این اندازه در معرض جنگ و نابودی و اختلاف و اردوکشی نبوده است.

ترامپ و ترامپیسم یک تهدید جدی برای صلح، آزادی و دموکراسی در جهان است. این تهدید جهان را در آستانه جنگ جهانی سوم قرار داده است. ما فعلا به بقیه جهان کاری نداریم اما باید به فکر ایران و جایگاه آن در غرب آسیا باشیم.

شهید سلیمانی به عنوان کسی که ۴۰ سال از شیرین‌ترین ایام زندگی خود را در جنگ گذراند، کلمه جنگ را هیچ‌وقت به ترتیب حروف آن به کار نمی برد؛ جنگ را «گنج» می دانست و حروف آن را از چپ به راست می خواند. به همین دلیل «تهدید» را همیشه «فرصت» معنا می کرد. او سه شرط را برای برون رفت از تهدید جنگ همیشه یادآور می شد. ۱- نترسید ۲- نترسیم ۳- نترسانیم! نفی ترس را اول خطاب به ملت می گفت؛ دوم خطاب به نیروهای مسلح و سوم خطاب به مسئولین دولت، مجلس و دیگر قوای کشور.

ترامپ امروز از صنعت جناس در سیاست، برای ترساندن جهان استفاده می کند. او این راهبرد را در سه سطح دنبال می کند؛ رقبا، رفقا و دشمنان اصلی آمریکا. آمریکا دشمن ایران و جبهه مقاومت است در این تردید نیست. پس ما هم در دشمنی با آمریکا نباید تردید کنیم برگردیم به مطلع سخن و رهگشایی مولانا در میدان جناس در سیاست

گفتی اسرار در میان آور
کو میان اندر این میان که منم

وقتی ترامپ سخن از «گفت‌وگو» می کند وقتی از «میدان» سخن می گوید و نیز وقتی که از توانایی آمریکا در هماوردی نظامی حرف می زند اگر نفهمیم منظور او چیست، جنگ را در مختصات جناس در سیاست باخته‌ایم.

فهم درست و دقیق همان است که امام خامنه‌ای در سخن نوروزی فرمود:
- آمریکا با تهدید ایران را به جایی نمی برد.
- خباثت کند سیلی سخت می خورند.
- اگر دنبال فتنه در داخل باشند مردم جواب آن‌ها را خواهند داد.

مدرک تحصیلی به نام خانم معصومه تنگستانی فرزند عبدالحمید کد ملی ۳۵۰۱۰۶۳۲۰۲ صادره از بوشهر مقطع کارشناسی رشته پرستاری واحد بوشهر به شماره ۳۵۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودروی سواری شاهین Gمدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید شماره پلاک ۵۰ایران ۷۸۵ن ۲۲ شماره موتور M۱۵TC۲۰۸۲۸۸۷ شماره شاسی P۱۰۸۲۷۸۵NAS۱۱۱۱۰۰ متعلق به آقای داود ترامسلو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

رای گواهی مادده صد صادره از شهرداری کلاردشت به شماره ۱۰۹۴۷ مورخ ۸۸/۸/۲ درخصوص ملک واقع در کلاردشت بخش دلیل متعلق به آقای حجت‌الله سلطانی ساوجی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

گواهی رای جریمه به شماره ۶۲ مورخه ۱۳۹۲/۳/۱ ماده صد صادره از شهرداری کلاردشت درخصوص ملک واقع در کلاردشت بخش حجل کوچه مهستان و مضبوط در شماره پرونده ۸۳۱۴ مورخه ۹۴/۶/۵ شهرداری متعلق به خانم مریم غفاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره ۱۴۰۱۰۰۱۸۰۱۲ مربوط به موتور شماره ۱۲۴۵۰۸۴۶۱۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه) و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت احسان ۱۲۵ به شماره پلاک ۵۶۸-۴۲۲۴۸ رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۲۵N۲M۳۴۵۰۹۶۹ به شماره تنه N۲N***۱۲۵E۹۳۲۸۴۵۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه - برگ سبز خودروی وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰OHV مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید شیری روغنی به شماره انتظامی ایران ۳۵-۸۸۵ل۴۶ به شماره موتور ۱۱۴F۰۰۱۳۲۵۴ به شماره شاسی NAAA۴۶AA۴CG۳۳۵۰۵۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) موتورسیکلت انژکتوری گالکسی به شماره موتور ۱۵۰۱۶۴۷۰N۱۵RHGGKLP۱N۱۳۴۰۲ شماره تنه ۰۱۴۹N مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) و سند کمپانی سواری سایپا تیبا به شماره موتور ۸۲۴۷۷۳۲ و شماره شاسی NAS۸۱۲۱۰۰F۵۸۸۴۰۶ و شماره انتظامی ۸۱۴ب۸۴ ایران ۹۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو ۲۰۶ آریان به شماره انتظامی ۷۵۳م۱۵ ایران ۸۲ و شماره موتور ۱۳۳۸۶۰۱۱۳۹۳ و شماره شاسی ۲۲۶۰۴۲۵۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۹۱م۶۳۸ ایران ۱۶ و شماره موتور ۱۶۵A۰۲۳۱۲۴۶ شماره شاسی NAAR۶۳EE۰pJ۰۲۹۶۴۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری کوئیک مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ۸۸۵ن۱۵ ایران ۱۶ و شماره موتور M۱۵/۰۵۴۵۶۴۶ و شاسی NAPX۲۱۳BAR۱۳۰۳۶۳۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

اسناد مالکیت (برگ سبز، سند کمپانی، کارت و...) سواری پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک ۱۷۲ص۸۹ ایران ۴۸ و شماره موتور ۱۸۵B۰۱۰۶۱۸۸ شماره شاسی NAAR۴۳H۵ESDH۲۶۴۷۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه) سواری هاچ بک تیپ GUICK CVT به رنگ سفید مشکی و مدل ۱۴۰۱ به شماره موتور M۱۵۹۶۴۲۵۸۲ و شماره شاسی NAPX۲۱۲ABN۱۱۲۰۰۵۶ و شماره پلاک ۴۸ ایران ۸۲۴ب۸۹ به نام ابراهیم مویدی شماره ملی ۲۲۹۵۳۹۸۴۵۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب و کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ قرمز مدل ۱۹۸۳ به نام اسلم آسکانی سرجنگان به شماره انتظامی ۴۲۴س۳۶- ایران ۹۵ به شماره موتور ۲۱۷۷۰۹۶R به شماره شاسی PK۱۱۰۶۰۷۸۴۸ به علت سهل انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت خودرو سواری سایپا تیپ SHAHIN مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک انتظامی ۹۸۵و۴۷ ایران ۹۵ به شماره M۱۵TC/ ۲۰۴۶۴۱۰ و به شماره شاسی NAS۱۱۱۱۰۰N۱۰۴۶۴۶۲ به نام ایران هراتی سالخورده فرزند موسی به شماره ملی ۳۶۶۰۷۰۶۹۸۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پی کی مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره ای به شماره شاسی ۳۰۴۰۳۰۸ موتور ۸۸۱۳۹۴۷۸۹۱ و شماره انتظامی ۱۶ص۴۲۳ ایران ۱۵ به نام زهرا سلطان بذلی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و برگ سبز و کارت تراکتور کشاورزی به شماره انتظامی ۵۹-۴۳۵ک۵۵ و شماره موتور ۵۳۰۹۷۹ و شماره شاسی ۶۵۰۹۰۸۳۵ به مالکیت علی درزی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پراید (دی ام) مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۶۶ص۵۹ ایران ۷۵ به شماره موتور ۲۷۱۸۳۷۷ به نام عباس عباسلو مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت و سند کمپانی خودروی سواری پژو ۲۰۷ پاناروما مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۹۲۸ب۹۹ ایران ۷۵ و به شماره موتور ۱۶۷B۰۱۷۱۷۶۷ به نام سمیرا سعادت نیا مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کمپانی سواری پژو آردی مدل ۱۳۷۹ به نام مرتضی منتظری به شماره پلاک ۲۳- ۶۴۸ص۲۷ شماره موتور ۲۲۳۲۷۹۰۱۲۹۸ شماره شاسی ۰۰۷۹۷۰۱۷۴۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک دانشنامه پایان تحصیلات دوره کاردانی آقای وحید خیل نژاد فرزند حیدرعلی کد ملی ۴۸۹۹۱۳۹۴۴۶ در رشته برق صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی ابهر مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. این آگهی به درخواست نامبرده چاپ می گردد.

سند مالکیت (برگ سبز) و سند و فاکتور فروش (سند کارخانه) موتورسیکلت احسان تیپ EH۲۰۰ به رنگ قرمز مدل ۱۴۰۲ به نام طارق چاک زهی به شماره انتظامی ۸۲۴-۱۹۲۲۹ به شماره موتور ۱۹۶N۱۴۲۰۴۷۵۷ و شماره شاسی N۱۴JVENNEP۱۸۱۰۷۲۹ به علت سهل انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتوبوس ولووبی ۱۲ مدل ۱۳۸۲ به رنگ آبی روغنی به شماره موتور D۱۲C۲۹۴۴۱۵ به شماره شاسی ۰۱۱۲۲۹ به نام جواد جهانتیغ به شماره انتظامی ۴۸۵ع۳۳ ایران ۹۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو آردی آی ۱۶۰۰ به رنگ نوک مدادی روغنی مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۲۵۹۴۲ و شماره شاسی ۲۳۴۱۹۸۸۱ شماره انتظامی ۷۶۱ب۵۷ ایران ۸۵ به نام روان بخش خواجه پور مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۲۴۰۲۹۹۷ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۴۷۰۶۷ به شماره انتظامی ۲۹۴س۳۷ ایران ۸۵ به نام غفار توتازهی نوشین مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس به رنگ بژ مدل ۱۳۷۸ به نام سمیه جهاندیده به شماره موتور ۲۲۵۲۷۸۰۷۷۴۶ و شماره شاسی ۷۸۳۰۹۶۰۳ به شماره انتظامی ۴۷۹س۵۸ ایران ۹۵ به علت سهل‌انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور و سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۳ به نام ساره مشایخی به شماره انتظامی ۴۱۶ص۱۳ ایران ۶۵ به شماره موتور ۰۱۰۳۸۴۸۰ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۴۱۴۱۸۰ به علت سهل انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ سبز روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام نورمحمد بلوچ زهی به شماره انتظامی ۴۶۳س۴۱ ایران ۹۵ به شماره موتور ۲۱۳۱۳۷۳ شماره شاسی RK۱۱۰۰۵۳۹۲۴ به علت سهل‌انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب خودروی کامیونت ون زامیاد Z۲۴NI به رنگ آبی مدل ۱۳۹۸ به نام رسول غمشادزهی به شماره انتظامی ۵۲۴س۸۲ ایران ۹۵ به شماره موتور Z۲۴۸۴۱۸۸۸Z و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TL۰۵۸۱۰۹۹ به علت سهل انگاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پلاک پژو ۲۰۶ مدل ۹۴ رنگ سفید به شماره شهربانی ۳۲۸م۲۹ ایران ۴۵ به شماره موتور ۱۶۵A۰۰۱۲۸۴۷ به شماره شاسی ۲۰۵۵۸۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت پژو پارس مدل ۹۰ رن